

مسئولیت نظام دانشگاهی در قبال جامعه: طراحی مدلی جهت

ارزیابی وضعیت موجود و مطلوب آن

محبوبه شکرالهی^۱، رسول داودی^۲، نقی کمالی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۲

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی مدلی جهت ارزیابی مسئولیت اجتماعی نظام دانشگاهی انجام گرفت. روش پژوهش آمیخته‌ی اکتشافی بود که در بخش کیفی ۱۰ نفر از خبرگان دانشگاهی برای تأیید یافته‌های کیفی پژوهش و در بخش کمی جهت جمع‌آوری داده‌ها ۲۵۹ نفر از اعضای هیأت علمی با روش نمونه-گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. در گام اول با بررسی متون و اسناد مؤلفه‌های مدل شناسایی و در گام دوم با ابزار پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته، داده‌ها گردآوری شدند. روایی سازه و همگرایی پرسش‌نامه با تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن با آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. جهت تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از تکنیک تحلیل محتوای کیفی با روش تحلیل مضمون و در بخش کمی از تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌های حاصل از تحلیل‌های کیفی و کمی منجر به شناسایی ۵۰ شاخص و ۷ مؤلفه درباره‌ی پدیده‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی و ۳۷ شاخص و ۵ عامل درباره عوامل سوق‌دهنده‌ی آن در قالب یک مدل با برازش مناسب گردید. ارزیابی انجام‌شده نشان داد که بین وضعیت موجود و مطلوب آن فاصله‌ی زیادی وجود دارد که جهت نیل به حالت مطلوب مستلزم اهتمام جدی مسوولان ذی‌ربط می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت اجتماعی؛ مدل مسئولیت اجتماعی؛ نظام دانشگاهی، وضعیت موجود و

مطلوب

^۱ دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

shokrollahi.ma@yahoo.com

^۲ استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده‌ی مسوول)

rasolrld@yahoo.com

^۳ استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران kamali_naghi@yahoo.com

مقدمه و طرح مسأله

نظام آموزش عالی یکی از بزرگ‌ترین نظام‌های جامعه است که سرنوشت جامعه را در بلندمدت مشخص می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دانشگاه مبدأ تغییر و تحول بوده و توسعه‌ی جوامع ارتباط بسیار زیادی با آموزش عالی آن‌ها دارد. با پررنگ‌شدن چالش‌های جهانی در قرن بیست‌ویکم توجه به نقش و وظایف گسترده‌ی آموزش عالی با تحولات زیادی روبه‌رو شده است (شمس و میراحمدی، ۱۳۹۸: ۱۲۲). نگاهی به تاریخچه‌ی دانشگاه‌ها و سیر تحولات آموزش عالی مبین این موضوع است که در دوره‌های مختلف بر اساس نیاز و شرایط جوامع نقش دانشگاه‌ها و سیستم‌های آموزش عالی تغییر یافته است. بر اساس دیدگاه نظریه‌پردازان اقتضایی اساس کار سیستم‌ها به اقتضای شرایط محیطی تغییر می‌یابد و به سمت سازگاری با محیط و شرایط ذاتی خود سوق پیدا می‌کند؛ به عبارتی شرایط اقتضایی، دانشگاه را به سمت وظایف حیاتی خود که همان ارتباط با محیط است هدایت می‌نماید (تقی‌زاده و ضیائی‌حاجی‌پیرلو، ۱۳۹۷: ۲؛ گودرزوند چگینی، ۱۳۹۷: ۸). بر بستر این تغییر و تحولات بیش از پیش، به دانشگاه نه‌تنها جزیره‌ی منفصلی از جامعه، بلکه در ارتباط تنگاتنگ با آن نگرسته می‌شود، دانشگاه‌ها در حال تجربه‌ی یک جابه‌جایی از درون به بیرون، از اجماع علمی به فضای عمومی، از زندگی در خود به پاسخ‌گویی و از تحقیق محض به تحقیق درگیر با واقعیت‌های عینی سیاسی، اجتماعی و بازار هستند و خود را ناگزیر می‌بینند تا از چهارچوب خودساخته‌ی دانشگاهی بیرون آیند (افکانه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۸). نیاز روزافزون به توسعه‌ی فعالیت‌های اجتماعی دانشگاه موجب شده است تا دیگر نتوان مانند گذشته این نهاد را سوای جهت‌گیری‌های اجتماعی آن تصور کرد و به‌مثابه پدیده‌ای در خود و برای خود در نظر گرفت. دانشگاه امروزی رسالت کنشگری خویش را منوط به کارکردهای درون-نهادی از قبیل نقش‌های متعارف آموزشی و پژوهشی نمی‌سازد و ناچار از ترک اکتفاء به صرف تولید و ترویج دانش و یا تربیت طیف وسیعی از دانش‌آموختگان در حوزه‌های مختلف علوم است (بوک^۱، ۱۳۹۶: ۹). دانشگاه یک مرجع اجتماعی است که ممکن است موجب رشد و بهبود سرمایه‌ی اجتماعی شده؛ دانش‌جویان را برای واقعیات دنیای خارج آماده سازد و دسترسی به دانش را مهیا کند و یا در مقابل، دانشگاه ممکن است در را از داخل بسته و در انتقال دانش بدون ارتباط

¹ Bok

با چارچوب کاری خود، همانند یک «سلول دانشگاهی» عمل نماید. دانشگاه ممکن است بخواهد پیرو آنچه در سطح بین‌المللی انجام می‌شود، باشد و به‌گونه‌ای مستمر به اطراف خود مرتبط و متصل بوده و درصدد حل مسایل ویژه برآید، یا نسبت به اطراف خود بی‌توجه باشد. دانشگاه مسوول از خود درباره‌ی چگونگی کمک به توسعه‌ی اجتماعی و حل مسایل اساسی آن سوال می‌کند که چه نقشی می‌تواند در توسعه‌ی جامعه داشته باشد؟ دانشگاه چگونه می‌تواند با ارائه‌ی تخصص‌ها و کارهای ویژه‌ی خود، در پیشرفت اجتماعی نقش داشته باشد و آموزش و دانش را برای مسئولیت اجتماعی محلی ترویج دهد؟ برای کسب مسئولیت اجتماعی محلی باید با چه کسی در ارتباط باشد (شفائی‌بامچلو، ایلی و قراملکی، ۱۳۹۵: ۸۷)؟

طبق آمار خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۷) و موسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۹۷) در ایران ۲۵۶۹ دانشگاه و مراکز آموزش عالی، ۸۵۵۹۴ عضو هیأت علمی و ۳۶۱۶۱۱۲ دانش‌جو وجود دارد که این ظرفیت عظیم علمی، ایران را در بین ۱۰ کشور جهان که بیش‌ترین دانشگاه را دارند، قرار داده است. با عنایت به آمار فوق، اگر کارکرد مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی اجتماعی نظام دانشگاهی ایران به نحو مطلوبی محقق شود، می‌تواند بخش بزرگی از مسایل و مشکلات مبتلا به نظام اجتماعی را مرتفع نماید. از آن جا که دانشگاه‌ها مسئولیت‌های خطیری در حوزه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر عهده دارند، می‌توانند راه کارهای مناسبی را برای بسیاری از مشکلات جامعه فراهم ساخته و یاری‌رسان جامعه در دستیابی به اهداف عظیم باشند.

در این مسیر گذر از نسل‌های دانشگاهی، تکیه و تمرکز نظام دانشگاهی ایران بر صرف تربیت نیروی انسانی و پژوهش‌های درون‌دانشگاهی، کفایت از سایر کارکردهای فرانهادی آن نمی‌کند و باید سازوکارهای دیگری برای ایفای نقش فعال‌تر دانشگاه در عرصه‌ی اجتماعی فراهم آید. مروری بر وضعیت کنونی کشور نشان می‌دهد که جامعه‌ی ایران با چالش‌های بزرگی چون تورم، بیکاری، اقتصاد تک‌محصولی، قاچاق، کمبود بهره‌وری، فناوری‌های نوین، بحران‌های زیست-محیطی، دیپلماسی بین‌المللی، بیماری‌های نوپدید و ... مواجه است که نیازمندی دولت‌ها به دانشگاه را در مواجهه کارگشا با این پدیده‌های مخاطره‌آمیز نمایان می‌سازد و ضرورت بازنگری در نقش و کارکردهای نهادهای مسوولی چون دانشگاه‌ها و لزوم مشارکت آن‌ها را در مناسبات محیط اجتماعی برملا می‌نماید. واقعیت آن است که در حال حاضر نظام دانشگاهی در ایران تقریباً به عنوان جزیره‌ای مستقل و به‌دور از مسایل اجتماعی و رسالت‌های جدید نظام دانشگاهی عمل می‌کند.

نماید که این امر مستلزم بازنگری در نقش‌های آن و شناسایی عوامل تسهیل‌گر و سوق‌دهنده در این راستاست. بدین منظور در راستای موارد یادشده سوالات زیر مطرح می‌شوند:

شاخص‌ها و مؤلفه‌های مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی کدامند؟

عوامل سوق‌دهنده نظام دانشگاهی به مسوولیت‌پذیری اجتماعی کدامند؟

چه مدلی را می‌توان برای مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی در کشور ارائه داد؟ و میزان برازش آن چقدر است؟

آیا بین وضعیت موجود و مطلوب مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی تفاوت وجود دارد؟

پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات در زمینه‌ی موضوع مسوولیت‌پذیری بیش‌تر معطوف به شرکت‌ها و سازمان‌های غیردانشگاهی بوده و معنای مسوولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهها در نزد محققان، بسیاری از مسوولان و حتی عامه مردم مغفول مانده است. حبیبی، وظیفه‌دوست و جعفری (۱۳۹۵) در بررسی مسوولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحدهای خراسان رضوی، شمالی و جنوبی، ۴۶ شاخص مسوولیت‌پذیری را با پنج بعد بشردوستانه، اقتصادی، قانونی، اخلاقی و فناوری شناسایی نموده‌اند. مطالعات علی‌محمدلو، اکبری، و مهدویان‌پور (۱۳۹۳) درباره مؤلفه‌های مسوولیت اجتماعی در دانشگاه شیراز با تکنیک دلفی فازی منجر به شناسایی ۱۸ شاخص مسوولیت‌پذیری گردید که این شاخص‌ها به پنج بعد مسوولیت آموزش و پژوهش، قانونی، اخلاقی، زیست‌محیطی و نوع‌دوستی طبقه‌بندی شده‌اند. چن، نسونکلا و دونالدسون^۱ (۲۰۱۵) بر اساس مطالعات نظری، مسوولیت اجتماعی دانشگاه را در نه بعد اجتماعی، فرواجتماعی، شناختی، سازمانی، نوع‌دوستانه، اقتصادی، اخلاقی، زیست‌محیطی و آموزشی طبقه‌بندی نموده‌اند. دیما و همکاران^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی شش بعد پروژه‌های فارغ‌التحصیل‌محور، همکاری بین‌دانشگاهی، همکاری دانشگاه با دبیرستان‌ها و موسسات، همکاری دانشگاه با محیط کسب‌وکار، همکاری بین-المللی و پروژه‌های اجتماعی، فرهنگی و بوم‌شناختی را برای مسوولیت اجتماعی دانشگاه‌های رومانی مشخص نموده‌اند. نجاتی و همکاران (۲۰۱۱) با بررسی وب‌سایت ده دانشگاه برتر جهان

¹ Chen, Nasongkhla & Donaldson

² Dima et al

فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی آن‌ها را در هفت بعد حاکمیت سازمانی، حقوق بشر، فعالیت‌های کاری، حفظ محیط‌زیست، نظام‌های عامل منصفانه، مسایل دانش‌جویان، مشارکت در اجتماع و توسعه‌ی آن معرفی نموده‌اند.

علاوه بر پژوهش‌های فوق که با رویکرد ارائه‌ی مدل انجام یافته‌اند، برخی دیگر نیز به ارزیابی وضعیت موجود مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها پرداخته‌اند. شفائی‌یامچلو، ابیلی و فرامرزی قراملکی (۱۳۹۵) در بررسی وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه تهران بر اساس الگوی والایس نشان دادند که از دیدگاه اعضای هیات علمی وضعیت مسئولیت اجتماعی دانشگاه مذکور در چهار حوزه‌ی مسوول به لحاظ اجتماعی و زیست‌محیطی، آموزش معتبر و مسوولانه، مدیریت اجتماعی دانش و مشارکت اجتماعی و حمایت از توسعه‌ی پایدار چندان مطلوب و رضایت‌بخش نمی‌باشد و مستلزم بهبود است. یافته‌های شافعی و عزیزی (۱۳۹۲) در ارزیابی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غرب کشور، نشان می‌دهند که دانشگاه‌های مورد بررسی در بحث حمایت‌های اقتصادی و زیست‌محیطی از جامعه، امتیازی در سطح اهمال کسب نموده‌اند و از این نظر نسبت به سایر دانشگاه‌های برتر دنیا تفاوت معنی‌داری دارند. صالحی‌عمران، ثابتی و حسن‌زاده‌بارانی‌کرد (۱۳۹۱) در بررسی میزان توجه به شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در مراکز صنعتی و دانشگاهی نشان دادند که در توجه به شاخص‌های آگاهی از برنامه‌های آموزشی و جامعه، دانشگاه توانسته است به نیاز بخش‌های صنعتی به‌طور مطلوبی پاسخ دهد، اما در توجه به شاخص‌های آگاهی از مفاهیم حفاظت محیط زیست، آگاهی از شرایط کاری مناسب بر اساس قوانین ملی و استانداردهای جهانی و آگاهی از عدم تبعیض در فرایندها و توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر، پاسخ‌گویی دانشگاه به نیاز بخش‌های صنعتی مطلوب نیست. نتایج پژوهش پرداختچی، بازرگان، آراسته و مظفری (۱۳۹۱) حاکی از آن است که از دیدگاه جامعه‌ی علمی میزان پاسخ‌گویی بیرونی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران به ذی‌نفعان بیرونی ضعیف است و اختلاف معناداری بین وضعیت آرمانی و وضعیت موجود آن وجود دارد. بیش‌ترین میزان این شکاف در ارتباط با پاسخ-گویی دانشگاه‌ها به ترتیب به ذی‌نفعان بازار کار، جامعه‌ی علمی و جامعه‌ی مدنی است، در حالی که پاسخ‌گویی به دولت بیش از حد انتظار است.

نگاهی به مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در راستای شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های پدیده‌ی مسئولیت اجتماعی نظام دانشگاهی مطالعات محدودی وجود دارد؛ ولی به جرأت می‌توان گفت که تاکنون تحقیقات منسجم و منظمی در مورد عوامل سوق‌دهنده‌ی آن صورت نگرفته است؛

بلکه عوامل شناسایی شده بسیار نامنسجم و پراکنده بوده که مستلزم انسجام بخشی لازم به آن- هاست.

مبانی نظری پژوهش

مسئولیت پذیری اجتماعی رهیافتی جهت نیل به رسالت نسل چهارم نظام دانشگاهی مفهوم مسئولیت اجتماعی در ابتدا بر روی شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ متمرکز بوده، ولی این امر اکنون فراتر از سازمان‌های بزرگ حتی نهادهای کوچک را نیز درگیر کرده است. کارول^۱ (۱۹۹۹) در تعریف خود از مسئولیت اجتماعی بیان می‌کند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان شامل انتظارات اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه‌ی جامعه از سازمان در زمان خاص است. هرچند که این تعریف متمرکز بر شرکت‌ها و سازمان‌ها بوده ولی اخیراً این مفهوم در خصوص دانشگاه‌ها نیز مطرح شده است. تترووا و سابولوا^۲ (۲۰۱۰) مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را فراتر از مسئولیت‌های قانونی می‌دانند و آن را به سطوح اقتصادی، اخلاقی، خرده اجتماعی، بشردوستانه و محیط زیست گسترش می‌دهند. از نظر داهان و سینول^۳ (۲۰۱۲) مسئولیت اجتماعی به عنوان مکانیزم و استراتژی ایجاد مزیت است، هرچند مسئولیت اجتماعی می‌تواند بخشی از مأموریت موسسات آموزشی باشد ولی اکنون آن‌ها از طریق اجرای مسئولیت اجتماعی به عنوان بخشی از استراتژی رقابتی استفاده می‌کنند.

الزامات و ضرورت‌های جوامع انسانی، موجب تغییر و تحول در کارکردها و رسالت‌های نظام دانشگاهی می‌شوند، این امور بازانندیشی در نقش نهادهای آموزش عالی و اهداف آن‌ها را فراهم می‌نمایند (راموس مونگه و همکاران^۴، ۲۰۱۹؛ و گراو و همکاران^۵، ۲۰۱۷) و سبب می‌شوند تا آن‌ها به سمت مسئولیت‌های واقعی خود در محیط و اجتماع سوق داده شوند (گومز و گیروتو^۶، ۲۰۱۵). با توجه به روند تغییراتی که دانشگاه‌ها از نظر هویت، رسالت و فلسفه‌ی وجودی خود سپری

¹ Carroll

² Tetreova & Sabolova

³ Dahan, & Senol

⁴ Ramos-monge et al

⁵ Grau et al

⁶ Gomez & Giroto

کرده‌اند، لازم است به باز تعریف خود بپردازند تا بتوانند با موفقیت بر تغییرات پیشی بگیرند. دانشگاه‌ها باید در عین حال که ارزش‌های سنتی خود را حفظ می‌کنند، از انعطاف‌پذیری خود در مقابل تغییرات اطمینان حاصل نمایند (برزگر، قورچیان و تقی‌پورظهير، ۱۳۹۸: ۲۹۲). در ابتدا دانشگاه‌ها تدریس را وظیفه‌ی اصلی خود می‌دانستند، نقش اصلی دانشگاه‌های نسل اول محدود به آموزش نیروی انسانی و شناخت حقیقت بود؛ اما تغییر و تحول در شرایط و نیازهای جامعه دانشگاه‌ها را به رسالت پژوهشی رهنمون شد که از آن به عنوان انقلاب نخست دانشگاه‌ها یاد شد و طی آن پژوهش، علاوه بر وظیفه‌ی سنتی آموزش به کارکردهای دانشگاهی اضافه گردید (عالی‌پور و عنایتی، ۱۳۹۶: ۵۶). به دنبال کاهش بودجه‌های عمومی پژوهش، دانشگاه‌ها دیگر نمی‌توانستند به صرف اتکا به بودجه‌های دولتی و بدون توجه به مسایل اقتصادی و بازگشت سرمایه، به انجام پژوهش مبادرت ورزند. این امر دانشگاه‌های مدرن را بر آن داشت تا جهت کسب سرمایه‌های بیش‌تر به فعالیت‌های تجاری و کسب‌وکار روی آورند که از آن‌ها به عنوان دانشگاه‌های کارآفرین یا نسل سوم یاد گردید (موک^۱، ۲۰۰۵). در دانشگاه‌های نسل سوم جای‌گاه علوم انسانی و تربیتی در بحث فناوری و صنعت مغفول مانده بود؛ لذا پرورش فرد کارآفرین آشنا با فرهنگ ملی و ارزشی با هدف رفاه و تعالی بشریت با در نظر گرفتن جای‌گاه علوم انسانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. لذا دانشگاه‌های نسل چهارم با عنوان دانشگاه‌هایی با مأموریت آموزشی، پژوهشی، کارآفرینی و مبتنی بر فناوری نرم ظهور کردند که هدف اصلی آن‌ها ایجاد رفاه اجتماعی برای جوامع انسانی است (عالی‌پور و عنایتی، ۱۳۹۶: ۵۸). به نظر می‌رسد در نسل نوین دانشگاهی مسئولیت‌پذیری اجتماعی یکی از مأموریت‌های مهم آن‌هاست. در جدول (۱) ویژگی‌های نسل‌های دانشگاهی و جای‌گاه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین آن‌ها ترسیم گردیده است.

¹ Mok

جدول شماره‌ی یک- مسوولیت‌پذیری اجتماعی در بین نسل‌های دانشگاهی

شاخص	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	نسل چهارم
هدف	آموزش	آموزش و پژوهش	آموزش، پژوهش و استفاده از دانش	آموزش، پژوهش، استفاده از دانش و فناوری نرم
نقش	شناخت حقیقت	شناخت طبیعت	ایجاد ارزش افزوده	ایجاد رفاه اجتماعی، مسوولیت-پذیری اجتماعی
خروجی	حرفه‌ای‌ها	حرفه‌ای‌ها و علمی‌ها	حرفه‌ای‌ها، علمی‌ها و کارآفرینان	حرفه‌ای‌ها، علمی‌ها، کارآفرینان و مسوولیت‌پذیران اجتماعی

(اقتباس از گودرزوند چگینی، ۱۳۹۷؛ عالی‌پور و عنایتی، ۱۳۹۶)

مدل‌های مسوولیت اجتماعی

در خصوص مسوولیت اجتماعی سازمان‌ها، مدل‌های متعدد و فراوانی از اندیشمندان مختلف ارائه شده است. هر کدام از آن‌ها از زاویه و رویکردی خاص این موضوع را مورد مذاقه قرار داده‌اند که این امر موجب پراکندگی و فقدان انسجام در بین آن‌ها گردیده است. لذا دسته‌بندی آن‌ها بر اساس ویژگی‌های مشابه می‌تواند در شناخت مقوله‌ی مسوولیت اجتماعی کمک شایانی بکند. بدین منظور می‌توان آن‌ها را با ملاک‌های مختلف به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

مدل‌های مبتنی بر میزان مسوولیت‌پذیری: در این نوع مدل‌ها، مسوولیت‌پذیری اجتماعی سازمان را می‌توان در یک طیف یا پیوستاری قرار داد که بر اساس آن می‌توان مقدار یا میزان مسوولیت‌پذیری سازمان را ارزیابی نمود. مدل جانسون^۱ (۲۰۰۳) یکی از انواع این نوع مدل‌هاست. وی معتقد است که سازمان‌ها از این لحاظ در پنج سطح عدم مسوولیت‌پذیری، تمایل به مسوولیت‌پذیری، سطح میانه‌رو، سطح استراتژیک و سطح جامعه‌گرا طبقه‌بندی می‌شوند (اوشین^۲، ۲۰۱۷ و سیدحسینی، ۱۳۹۴: ۲۰).

مدل‌های فرایندی مسوولیت‌پذیری: در سال ۱۹۸۶ وارتیک و کوکران^۳، مدل اجتماعی سازمان را بسط دادند. به عقیده‌ی آن‌ها عملکرد اجتماعی سازمان مجموعه‌ای از مسوولیت‌پذیری اجتماعی، پاسخ‌گویی اجتماعی و مدیریت مسایل عمومی است. در این دیدگاه مسوولیت‌پذیری اجتماعی

¹ Johnson

² Oshin

³ Wartick & Cochran

سازمان به عنوان بخشی از فرایند عملکرد اجتماعی سازمان است. بر این اساس ابتدا مسئولیت اجتماعی سازمان با ابعاد اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه شکل می گیرد، در مرحله دوم، پاسخ گویی اجتماعی سازمان مطرح می شود که شامل راهبردهای انفعالی، تدافعی، تطابقی و پیش-گیرانه است و مرحله آخر مدیریت مسایل عمومی شامل تشخیص مسایل و سپس تجزیه و تحلیل آن هاست که منجر به گرایش های سازمانی از قبیل خط مشی اجتماعی سازمان می شود (احمدی، الوانی، و معمارزاده طهران، ۱۳۹۰: ۱۰۲؛ و رحیمیان و کاظم پور، ۱۳۹۷: ۱۵۹). از دیگر مدل های مربوط به این زمینه می توان به مدل ست^۱ (۱۹۷۵) اشاره کرد (علی محمدلو، اکبری، و مهدویان-پور، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

مدل های مبتنی بر نوع مسئولیت پذیری: مدل های مربوط به این حیطه بیش تر بر موضوع و محتوای مسئولیت پذیری تأکید دارند. مدل کارول (۱۹۹۱) یکی از شاخص ترین آن هاست. کارول مسئولیت اجتماعی سازمان ها را در چهار بعد اقتصادی، قانونی، اخلاقی و نوع دوستانه طبقه بندی نموده است. از نظر او مسئولیت اقتصادی شامل سودآوری برای سهام داران، اشتغال زائی برای کارکنان و عرضه ی خدمات و کالای باکیفیت برای مشتریان است. در مسئولیت قانونی، او پیروی از قوانین و مقررات را به عنوان یک الزام برای سازمان می داند. در مسئولیت اخلاقی انجام کار درست و عادلانه و پرهیز از آسیب به جامعه را برای سازمان مطرح می نماید و در نهایت مسئولیت نوع دوستانه را انجام فعالیت های داوطلبانه اجتماعی از طریق صرف وقت و هزینه برای سازمان در نظر می گیرد. از دیگر مدل های مربوط به این زمینه می توان به مدل لانتوس^۲ (۲۰۰۱)، بارتلت و همکاران^۳ (۲۰۰۸)، سینگ^۴ (۲۰۰۸)، والایس^۵ (۲۰۱۱) و ایزو ۲۶۰۰۰ اشاره کرد.

مدل های مبتنی بر انگیزه ی مسئولیت پذیری: این نوع مدل ها بر علل و عوامل مؤثر بر مسئولیت پذیری تأکید دارند. یکی از مدل های مطرح در این راستا مدل وود^۶ (۱۹۹۱) است. از نظر وود سه انگیزه ی اصلی موجب مسئولیت پذیری اجتماعی سازمان ها می شود. به زعم او انگیزه هایی که برای اعمال مسئولیت اجتماعی در سازمان ها وجود دارد، ممکن است ناشی از اصل

¹ Sethi

² Lantos

³ Bartlett et al

⁴ Singh

⁵ Vallaeys

⁶ Wood

مشروعیت (سطح نهادی) باشد، به عبارتی انگیزه‌ی اصلی در این نوع مسوولیت‌پذیری، تمایل سازمان برای حفظ اعتبار و مشروعیت به عنوان یک بازیگر اجتماعی مسوول در یک محیط مشترک است. علاوه‌براین، انگیزه‌ها ممکن است ناشی از یک حس سازمانی به عنوان مسوولیت عمومی باشد، به‌ویژه برای پیامدهای مرتبط با زمینه‌های اولیه و ثانویه‌ای که سازمان درگیر آن است. درنهایت، انگیزه ممکن است ناشی از اختیارات و انتخاب‌های مدیران و اولویت‌های شخصی و تمایلات آن‌ها باشد. لازم به ذکر است که در این مدل امکان تعامل بین دو یا چند اصل در ایجاد انگیزه‌ی مسوولیت اجتماعی وجود دارد (قاسمی‌حسین‌آبادی، ۱۳۹۵: ۴۷).

مدل‌های مبتنی بر توجه به ذی‌نفعان: در این نوع مدل‌ها مسوولیت‌پذیری اجتماعی سازمان بر منافع کلیه‌ی گروه‌ها و ذی‌نفعان مرتبط است. از دیدگاه ما^۱ (۲۰۱۲) این مدل‌ها، به درک مجدد ماهیت سازمان، تشویق برای درنظرگرفتن ذی‌نفعان خارجی جدید (به غیر از سهام‌داران سستی، مشتریان، کارکنان و تأمین‌کنندگان) و مشروعیت‌بخشی به شکل‌های جدید درک مدیریتی کمک می‌کنند. بر اساس این مدل، مدیریت باید هم‌زمان به شش گروه از ذی‌نفعان توجه کند. این گروه‌ها شامل سهام‌داران، جامعه، محیط سازمان، کارکنان، تأمین‌کنندگان و مشتریان هستند. بدین منظور به این نوع مدل‌ها، مدل‌های ستاره‌ای نیز می‌گویند. در این راستا مدل کمسیون اروپا (۲۰۰۰) نیز مسوولیت اجتماعی دانشگاه را فرایندی می‌داند که به‌وسیله‌ی آن مدیران دانشگاه‌ها روابطشان را با ذی‌نفعان متنوع می‌کنند (صالحی‌عمران، ثابتی و حسن‌زاده‌بارانی‌کرد، ۱۳۹۱: ۱۳). مدل مشتری محور کلایدون^۲ (۲۰۱۱) نیز از دیگر مدل‌های مربوط به این گروه می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، جزء پژوهش‌های توسعه‌ای-کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، از نوع پژوهش‌های آمیخته^۳ با رویکرد اکتشافی متوالی^۴ است. در روش اکتشافی متوالی در گام نخست پژوهش‌گر از روش کیفی استفاده کرده، داده‌ها را گردآوری و آن را تجزیه و تحلیل می‌کند؛ سپس در گام بعد از این نتایج در روش کمی بهره می‌برد. اطلاعات بخش کیفی این پژوهش با

^۱ Ma

^۲ Claydon

^۳ Mixed Methods

^۴ Sequential Exploratory Strategy

استفاده از روش هم‌سوسازی داده‌های چندگانه در سه ضلع جمع‌آوری مبانی نظری و اصول زیربنایی مربوط به موضوع پژوهش، بررسی تحقیقات انجام‌شده در حوزه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی و کسب نظرات آگاهی‌دهندگان کلیدی در حوزه‌ی مضامین به‌دست‌آمده از دو مرحله‌ی قبل انجام گرفت. بر اساس دو ضلع اول مثلث هم‌سوسازی و با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین پایه و سازمان‌دهنده‌ی مدل احصاء گردید. پس از شکل‌گیری مدل اولیه‌ی پژوهش، جهت سنجش کفایت و تناسب آن، مضامین به‌دست‌آمده در قالب یک پرسش‌نامه در اختیار ۱۰ نفر از آگاهی‌دهندگان کلیدی در زمینه‌ی تعلیم و تربیت و آموزش عالی به شرح جدول (۲) قرار گرفت و نظرات پیشنهادی مکتوب و شفاهی آن‌ها جمع‌آوری شد. با پردازش داده‌های حاصل از سه ضلع هم‌سوسازی و مراجعه و جست‌وجوی مجدد و تکمیلی در مبانی نظری و سوابق پژوهشی، تغییراتی در مدل اولیه اعمال و سرانجام با مراجعه‌ی مجدد و مباحثه با برخی آگاهی‌دهندگان کلیدی، مدل نظری مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی تدوین گردید.

جدول شماره‌ی دو- مشخصات متخصصان و آگاهی‌دهندگان کلیدی

دانشگاه خدمت	محل	رشته‌ی تحصیلی	سابقه‌ی خدمت	مرتبه‌ی علمی و مدرک تحصیلی	تعداد
دانشگاه آزاد اسلامی زنجان		مدیریت آموزشی	۱۷	استادیار / دکترا	۴
		مدیریت آموزشی	۲۰	استادیار / دکترا	
		مدیریت آموزش عالی	۱۷	استادیار / دکترا	
		فلسفه‌ی تعلیم و تربیت	۱۸	استادیار / دکترا	
دانشگاه آزاد اسلامی تبریز		مدیریت آموزشی	۲۱	دانشیار / دکترا	۱
دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل		مدیریت آموزشی	۱۶	دانشیار / دکترا	۲
		برنامه‌ریزی آموزشی و درسی	۱۵	دانشیار / دکترا	
دانشگاه فرهنگیان زنجان		مدیریت آموزشی	۱۴	استادیار / دکترا	۲
		برنامه‌ریزی آموزشی و درسی	۱۸	استادیار / دکترا	
دانشگاه زنجان		برنامه‌ریزی آموزشی و درسی	۱۶	دانشیار / دکترا	۱

با عنایت به آمیخته‌بودن روش پژوهش، از جوامع و نمونه‌های متفاوتی استفاده شده است:

الف) جامعه و نمونه‌ی آماری در بخش کیفی: با توجه به این که در این بخش جهت هم-سوسازی داده‌های چندگانه از دو روش اسنادی و آگاهی‌دهندگان کلیدی استفاده شده است، لذا دو نوع جامعه و نمونه مد نظر قرار گرفت:

- در بخش مربوط به روش اسنادی کلیه منابع و اسناد مربوط به بحث‌های مسوولیت‌پذیری اجتماعی بیست سال اخیر از قبیل پایان‌نامه‌ها، مقالات و کتاب‌ها به‌عنوان جامعه‌ی آماری این بخش مد نظر قرار گرفتند. در این بخش، از روش نمونه‌گیری هدفمند به روش اشباع نظری^۱ استفاده گردید. بدین معنی که با انتخاب منابع مرتبط با موضوع و اهداف پژوهش، مطالعات تا نیل به حد اشباع ادامه یافت. لذا قریب به ۵۵ منبع مورد مطالعه قرار گرفت و از این طریق مضامین پایه و سازمان‌دهنده‌ی پدیده‌ی مسوولیت‌پذیری نظام دانشگاهی و عوامل مؤثر بر آن احصاء شد. در بخش مربوط به آگاهی‌دهندگان کلیدی، کلیه صاحب‌نظران و اساتید ذی‌صلاح در حوزه‌ی مسوولیت-پذیری اجتماعی در دانشگاه‌های شمال غرب کشور، جامعه‌ی آماری را تشکیل می‌دهند. بدین منظور مطابق جدول (۲) تعداد ۱۰ نفر از آن‌ها برای سنجش میزان مطلوبیت شاخص‌های احصاء-شده در مرحله‌ی اول و تکمیل آن‌ها مد نظر قرار گرفتند. این افراد بر اساس معیارهای تخصص، تجربه و به‌ویژه علاقه و همکاری در خصوص موضوع انتخاب شدند و سعی گردید آرای آن‌ها نسبت به شاخص‌ها و مدل اولیه‌ی تحقیق فراهم شود.

ب) جامعه و نمونه‌ی آماری در بخش کمی: در این بخش جامعه‌ی آماری شامل کلیه اعضای هیأت علمی تمام‌وقت دانشگاه‌های آزاد اسلامی شمال غرب کشور در مراکز چهار استان زنجان، اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ هستند که تعداد آن‌ها در سال مذکور ۱۱۰۰ نفر می‌باشند. از بین جامعه‌ی مذکور بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۵۹ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به ازای هر استان انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی شامل اسناد از قبیل کتاب‌ها، مجلات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع پژوهش بود که جهت احصای مضامین و مدل اولیه‌ی پژوهش استفاده گردید، در بخش کمی جهت اعتباریابی مدل، پرسش‌نامه‌ای با ۵۰ گویه در خصوص شاخص‌های مسوولیت-پذیری اجتماعی و ۳۷ گویه درباره عوامل مؤثر بر آن طراحی شد. جهت تعیین روایی صوری و

¹ Theoretical Saturation

محتوایی پرسش‌نامه، نظرات آگاهی‌دهندگان کلیدی کسب گردید و روایی سازه و همگرایی آن با تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین جهت برآورد پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرانباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد که نتایج هرکدام از آن‌ها بر اساس تحلیل‌های نرم‌افزار اسمارت پی ال اس^۱ (نسخه‌ی ۳) در جدول (۵) قابل مشاهده است. جهت استخراج و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده گردید. در این بخش واحد تحلیل، متن منابع مورد استفاده در خصوص موضوع پژوهش بود که با مطالعه‌ی جملات یا عبارت‌های آن‌ها، معانی مشابه و یکسان استخراج و مطابق جداول (۳ و ۴) در قالب مضامین پایه یا شاخص‌ها، کدبندی و در قالب مضامین سازمان‌دهنده یا مؤلفه‌ها و عوامل، مقوله‌بندی می‌گردید. پس از انجام مراحل مذکور، جهت اطمینان از مقوله‌بندی شاخص‌ها و ترکیب و هم‌جوارسازی داده‌های کیفی با کمی، در بخش کمی پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی مرحله‌ی اول و دوم و جهت ارائه‌ی مدل نهایی از مدل معادلات ساختاری استفاده گردید. همچنین مقایسه‌ی وضعیت موجود و مطلوب مسئولیت‌پذیری اجتماعی جامعه‌ی هدف نیز با آزمون تی زوجی و ویلکاکسون انجام گرفت. لازم به ذکر است که به منظور ارزیابی وضعیت موجود و مطلوب مسئولیت‌پذیری نظام دانشگاهی، پرسش‌نامه‌طوری طراحی شد که در سمت راست آن وضعیت مطلوب هر شاخص یا گویه و در سمت چپ آن وضعیت موجود از دیدگاه نمونه‌ی آماری مورد بررسی قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش

شاخص‌ها و مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی

بر اساس مطالعات کیفی صورت‌گرفته و روش هم‌سوسازی داده‌های چندگانه، شاخص‌ها (مضامین پایه) و مؤلفه‌های (مضامین سازمان‌دهنده) پدیده‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی به شرح جدول (۳) شناسایی شده‌اند:

¹ Smart Pls

جدول شماره‌ی سه - شاخص‌ها و مؤلفه‌های مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
مسوولیت آموزش و پژوهش	ارائه‌ی خدمات آموزشی باکیفیت برای فراگیران و جامعه
	ارائه‌ی خدمات دانش‌جویی باکیفیت برای فراگیران
	تشویق دانش‌جویان و اساتید جهت ارائه‌ی خدمات علمی مناسب به اجتماعات محلی
مسوولیت شناختی	به‌روزرسانی و ساختاربندی نظام آموزشی متناسب با نیازهای جامعه
	احساس مسوولیت در قبال نوع علم تولیدی
	احساس مسوولیت در قبال افراد تحت پوشش علم تولیدی
مسوولیت قانونی	ارتقای توان دانش‌آفرینی فراگیران
	ارتقای مهارت‌های زندگی فراگیران
	شناسایی دانش روز و منطبق با استانداردهای ملی و بین‌المللی و ارائه‌ی علوم و آموزش‌های مرتبط با آن
مسوولیت اخلاقی	میزان توجه مدیران دانشگاه به وضع و رعایت مقررات و استانداردها جهت ارتقای سلامت اداری و جلوگیری از فساد اداری
	میزان توجه دانشگاه به تفسیر و اجرای صحیح قوانین دولتی
	تعهد به قراردادهای پیمان‌های دانشگاهی با دیگر ارگان‌ها
مسوولیت اخلاقی	ارائه‌ی اطلاعات واقعی و درست به دانش‌جویان، اساتید و کارکنان
	حفظ اطلاعات و حریم خصوصی دانش‌جویان، اساتید و کارکنان
	مبارزه با مصادیق فساد در دانشگاه و اجرای سیاست‌های پیش‌گیری از آن
	ایجاد فرصت‌های برابر و اجتناب از تبعیض در دانشگاه
	رعایت و حفظ مالکیت معنوی و فکری
	احترام به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی
مسوولیت اخلاقی	توجه به پیشنهادهای شهروندان و بهبود مستمر ارائه‌ی خدمات به آن‌ها
	نبود پرونده‌های تخلفات اخلاقی و رفتاری دانشگاه در مراجع قانونی
	تدوین و رعایت منشور اخلاقی در دانشگاه و آموزش آن

مسئولیت زیست محیطی	ارائه‌ی آموزش و انجام پژوهش‌های مربوط به حوزه‌ی مدیریت سبز	صرفه‌جویی در مصرف انرژی و استفاده از انرژی‌های پاک
	بازیافت و کاهش ضایعات و جلوگیری از آلودگی هوا و محیط زیست	حفظ و ارتقای فضای سبز در محوطه‌ی دانشگاه و خارج از آن
	رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و فقدان پرونده‌ی تخلفاتی در این زمینه در مراجع قانونی	حمایت مالی و غیرمالی دانشگاه از خدمات توسعه و زیباسازی زیست‌محیطی
	حمایت از به‌کارگیری فناوری‌ها، ماشین‌آلات و روش‌های انجام کار سازگار با محیط زیست	
	حمایت دانشگاه از اقدامات داوطلبانه‌ی اعضای خود در فعالیتهای اجتماعی	کمک به دانش‌جویان واجد صلاحیت و فاقد توان مالی
مسئولیت بشردوستانه	جذب دانش‌جویان و افراد بومی	همکاری با مدارس، کسب‌وکارها، انجمن‌ها و گروه‌های محلی
	همکاری با نهادهای خیریه و بشردوستانه و کمک به آن‌ها	توسعه و ارتقای دانش و فرهنگ عمومی جامعه
	احترام به حقوق بشر	توجه به بیماری‌های خاص و مشارکت جهت رفع آن‌ها
	احساس مسئولیت در قبال مشکلات اجتماعی	
	حداقل‌سازی هزینه‌های دانشگاهی و عدم مصرف بیهوده‌ی امکانات	توجه به فعالیتهای سودآور و ثروت‌آفرین در دانشگاه
مسئولیت اقتصادی	ارائه تسهیلات به مشتریان و بهبود مستمر آن	اهتمام مدیران دانشگاه به ارائه‌ی گزارش‌ها و شفاف‌سازی مالی و اقتصادی به ذی‌نفعان و سازمان‌های ذی‌صلاح
	عدم تخلف مالی	افزایش فرصت‌های شغلی و بهبود اشتغال محلی

بر طبق جدول فوق، بر اساس مطالعات کیفی انجام‌شده ۵۰ شاخص درباره‌ی پدیده‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی با ۷ مؤلفه شناسایی شده‌اند که مؤلفه‌های آموزشی و پژوهشی، شناختی و اقتصادی هرکدام شش شاخص، قانونی پنج شاخص، اخلاقی یازده شاخص، زیست‌محیطی هفت شاخص و بشردوستانه نه شاخص می‌باشند.

شاخص‌ها و عوامل سوق‌دهنده‌ی نظام دانشگاهی به مسوولیت‌پذیری اجتماعی
همچنین بر اساس مطالعات کیفی صورت‌گرفته و روش هم‌سوسازی داده‌های چندگانه،
شاخص‌ها(مضامین پایه) و عوامل سوق‌دهنده(مضامین سازمان‌دهنده) مسوولیت‌پذیری اجتماعی
نظام دانشگاهی به شرح جدول (۴) شناسایی شده‌اند:

جدول شماره‌ی چهار- شاخص‌ها و عوامل سوق‌دهنده‌ی نظام دانشگاهی به مسوولیت‌پذیری اجتماعی

عوامل	شاخص‌ها
عوامل فرهنگی	سوق‌دادن فعالیت‌های رسانه‌ها جهت انجام مسوولیت اجتماعی توسط نظام دانشگاهی
	نهادینه‌سازی مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی در فرهنگ ملی کشور
	اعتقاد آحاد جامعه به نظام دانشگاهی به عنوان مرجع کارشناسی علمی در جامعه
عوامل اجتماعی	فرهنگ‌سازی و فراهم‌نمایی زمینه‌ی مشارکت دانشگاه در امور مربوط به مسوولیت اجتماعی آن در جامعه
	نهادینه‌سازی فرهنگ پیگیری و رصد مستمر عملکرد اجتماعی دانشگاه
	سطح آگاهی و پاسخ‌خواهی جامعه از پاسخ‌گویی دانشگاه به نیازهای جامعه
عوامل سیاسی	نیازآفرینی و معرفی نیازهای جامعه به دانشگاه
	تعامل مستمر بین سازمان‌های مردم‌نهاد و موسسات غیردولتی با دانشگاه
	ارزیابی عملکرد اجتماعی دانشگاه از طرف تشکل‌های اجتماعی
عوامل اقتصادی	انتظارات حاکمیت از مسوولیت نظام دانشگاهی در قبال جامعه
	نوع بیش و باور مدیریت کلان نسبت به توان دانشگاه جهت حل مشکلات جامعه
	دخالل دولت و سیاست‌ها و قوانین تشویقی و تنبیهی آن نسبت به مسوولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه
عوامل اجتماعی	رتبه‌بندی عملکرد دانشگاه‌ها بر مبنای مسوولیت اجتماعی و اطلاع‌رسانی آن به جامعه
	پشتیبانی مالی جامعه از دانشگاه جهت انجام مسوولیت اجتماعی
	وابستگی بهره‌وری نیروی کار جامعه به عملکرد دانشگاه
عوامل اقتصادی	حمایت اقتصادی سرمایه‌گذاران و مدیران کلان از دانشگاه جهت انجام مسوولیت اجتماعی
	تأثیرپذیری شاخص‌های کلان اقتصادی از کارکردهای دانشگاه
عوامل اجتماعی	انتظارات جامعه از ثروت‌آفرینی دانشگاه
	وابستگی سطح درآمد اقشار مختلف اجتماعی به

	دانشگاه	
	نیل به پایداری اقتصادی از طریق دانشگاه	
توان مالی دانشگاه در ورود به امور مسئولیت اجتماعی	منطقه‌بودن ساختار، رفتار، مدیریت و قوانین دانشگاه با رسالت مسئولیت اجتماعی	مؤلف سازمانی
پیوستن به شبکه‌های ملی و بین‌المللی مسئولیت اجتماعی دانشگاهی و ائتلاف با آنها	گنجاندن مسئولیت‌پذیری در برنامه‌های راهبردی و سیاست‌گذاری درازمدت دانشگاه	
منفعت‌طلبی اقتصادی دانشگاه از طریق انجام مسئولیت اجتماعی	برگزاری کنفرانس‌ها و انتشار نشریه‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی و پاسخ‌گویی دانشگاهی	
تعهد دانشگاه جهت تحقق اهداف و برنامه‌های خود در قبال اجتماع	تخصیص مدیران ارشد دانشگاه جهت سوق‌دادن آن به انجام مسئولیت اجتماعی	
توانمندسازی علمی و اجرایی دانشگاه و معرفی آن جهت پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه	تلاش دانشگاه جهت افزایش خوش‌نامی، ایجاد نگرش مثبت و جلب اعتماد عمومی در جامعه و ارتقای منزلت اجتماعی خود	
شناخت دانشگاهیان از نیازهای جامعه	انجام مسئولیت اجتماعی از طرف دانشگاه به خاطر عبور از مقررات و دخالت‌های زائد دولتی	

بر طبق جدول فوق، بر اساس مطالعات کیفی انجام‌شده، ۳۷ شاخص با ۵ عامل سوق‌دهنده مسئولیت‌پذیری نظام دانشگاهی شناسایی شده‌اند که عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هرکدام شش شاخص، عامل اقتصادی هفت شاخص و عامل سازمانی دارای دوازده شاخص می‌باشند.

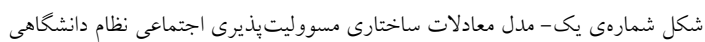
مدل مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی و میزان تناسب آن

در این پژوهش با عنایت به این که توزیع داده‌ها نرمال نبود، جهت ترسیم مدل مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس استفاده گردید. این نرم‌افزار یکی از جدیدترین نرم‌افزارهای آماری است که نسخه‌ی (۳) آن اخیراً به بازار عرضه شده و برای تحلیل داده‌های غیرنرمال مناسب است. در شکل (۱) مدل مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی ترسیم و در جدول (۵) نیز شاخص‌های برازش آن آورده شده است. با عنایت به تحلیل‌های کیفی و کمی انجام‌یافته و مدل ارائه‌شده درباره‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی، دو موضوع محوری به شرح زیر قابل بررسی است:

پدیده‌ی مسئولیت اجتماعی نظام دانشگاهی: این محور مبین دامنه‌ی حیطه و گستره‌ی وظایف نظام دانشگاهی جهت انجام رسالت مسئولیت اجتماعی است. بر اساس تحلیل عاملی تأییدی مرحله‌ی اول و دوم انجام‌شده در سمت راست مدل، گستره‌ی این مفهوم به عنوان متغیر وابسته در

هفت متغیر از قبیل اخلاقی، زیست‌محیطی، بشردوستانه، اقتصادی، شناختی، قانونی و آموزشی و پژوهشی قابل بررسی است.

عوامل سوق‌دهنده‌ی نظام دانشگاهی به انجام مسوولیت اجتماعی: این محور مبین عوامل و به‌عبارتی متغیرهای مستقلی است که موجبات لازم را جهت انجام رسالت مسوولیت اجتماعی دانشگاه‌ها فراهم می‌نمایند. تحلیل عاملی تأییدی مرحله‌ی اول و دوم انجام‌شده در سمت چپ مدل، مبین پنج متغیر یا عامل از قبیل عامل سازمانی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. مدل ساختاری انجام‌شده در خصوص نقش عوامل پنج‌گانه در تبیین رسالت مسوولیت اجتماعی نظام دانشگاهی نشان می‌دهد که عوامل مذکور با ضریب تاثیر $0/752$ به میزان ۵۶ درصد از امکان انجام مسوولیت مذکور را تبیین می‌نمایند.



جدول شماره‌ی پنج- شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری مسوولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی اجتماعی نظام

دانشگاهی

شاخص‌های برازش مؤلفه‌ها و عوامل	بار عاملی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا	اعتبار اشتراک سازه	ضریب تعیین	شاخص برازش ^۱ SRMR
مسوولیت‌پذیری آموزشی و پژوهشی	۰/۷۱۶	۰/۹۳۹	۰/۹۵۲	۰/۷۶۹	۰/۶۳۴	۰/۵۱۳	۰/۰۷۷
مسوولیت‌پذیری شناختی	۰/۷۶۹	۰/۹۰۶	۰/۹۲۸	۰/۶۸۶	۰/۵۳۴	۰/۵۹۲	
مسوولیت‌پذیری قانونی	۰/۷۵۴	۰/۸۲۸	۰/۸۷۸	۰/۵۹۱	۰/۳۸۱	۰/۵۶۸	
مسوولیت‌پذیری اخلاقی	۰/۸۷۷	۰/۹۳۳	۰/۹۴۳	۰/۶۰۲	۰/۴۹۸	۰/۷۶۹	
مسوولیت‌پذیری زیست‌محیطی	۰/۸۷۲	۰/۹۴۳	۰/۹۵۳	۰/۷۴۵	۰/۶۱۴	۰/۷۶۰	
مسوولیت‌پذیری بشردوستانه	۰/۸۷۰	۰/۹۲۶	۰/۹۳۸	۰/۶۲۹	۰/۵۰۰	۰/۷۵۶	
مسوولیت‌پذیری اقتصادی	۰/۸۳۵	۰/۹۲۲	۰/۹۳۹	۰/۷۲۱	۰/۵۷۷	۰/۶۹۸	
فرهنگی	۰/۹۱۸	۰/۹۳۳	۰/۹۴۷	۰/۷۵۰	۰/۵۷۵	۰/۸۴۲	
اجتماعی	۰/۸۸۵	۰/۹۱۶	۰/۹۳۵	۰/۷۰۹	۰/۵۰۴	۰/۷۸۲	
سیاسی	۰/۸۹۵	۰/۹۱۲	۰/۹۳۳	۰/۷۰۱	۰/۵۰۹	۰/۸۰۱	
اقتصادی	۰/۹۰۶	۰/۹۴۴	۰/۹۵۵	۰/۷۵۰	۰/۵۵۷	۰/۸۲۰	
سازمانی	۰/۹۴۳	۰/۹۵۸	۰/۹۶۳	۰/۶۸۷	۰/۵۵۵	۰/۸۹۰	

^۱ (ریشه‌ی میانگین مربعات باقی‌مانده‌ی استاندارد شده) Standardized Root Mean Square Residual

در شکل (۱) مدل ساختاری مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی و در جدول (۵) مقادیر شاخص‌های برازش آماری آن ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود کلیه بارهای عاملی مؤلفه‌ها در مدل بالاتر از ۰/۷۰ و در حد قوی می‌باشند. لذا تمام مؤلفه‌های مورد بررسی دارای بارهای عاملی معنی‌داری هستند و می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی مد نظر قرار گیرند. همچنین طبق جدول (۵) مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی همه مؤلفه‌ها بالاتر از ۰/۷۰، مقدار روایی همگرا بالاتر از ۰/۵۰، اعتبار اشتراک سازه مثبت و مقدار برازش ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده استاندارد شده پایین‌تر از ۰/۰۸ است. لذا با توجه به این که همه شاخص‌های برازش در دامنه‌ی مورد قبول قرار دارند، می‌توان گفت که مدل ارائه‌شده در خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی از برازش و تناسب لازم برخوردار است و می‌تواند برای سنجش مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی مورد استفاده قرار گیرد.

ارزیابی وضعیت موجود مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی بر اساس مدل ارائه‌شده و مقایسه‌ی آن با وضعیت مطلوب

جدول شماره‌ی شش - مقادیر آمار توصیفی و آزمون تی زوجی و ویلکاکسون جهت مقایسه‌ی وضعیت موجود و مطلوب مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی

شاخص‌های برازش مؤلفه‌ها	وضعیت	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	مقدار T	درجه‌ی آزادی	مقدار Z آزمون ویلکاکسون	سطح معنی - داری
مسئولیت - پذیری آموزشی و پژوهشی	موجود	۲/۷۱۱	۰/۸۵۶	-۱/۸۷۸	-۲۵/۵۹۲	۲۵۸	-۱۳/۴۲۳	۰/۰۰۱
	مطلوب	۴/۵۹۰	۰/۵۹۲					
مسئولیت - پذیری شناختی	موجود	۲/۴۰۹	۰/۸۹۰	-۱/۰۵۴	-۲۷/۶۶۸	۲۵۸	-۱۳/۴۷۴	۰/۰۰۱
	مطلوب	۴/۴۶۴	۰/۵۶۶					
مسئولیت - پذیری قانونی	موجود	۲/۸۸۱	۰/۸۳۲	-۱/۳۸۹	-۱۹/۱۳۵	۲۵۸	-۱۲/۲۳۰	۰/۰۰۱
	مطلوب	۴/۲۷۰	۰/۶۱۴					
مسئولیت -	موجود	۲/۹۹۵	۰/۸۳۰	-۱/۴۳۲	-۲۱/۳۳۱	۲۵۸	-۱۲/۸۳۱	۰/۰۰۱

					۰/۵۶۹	۴/۴۲۴	مطلوب	پذیری اخلاقی
					۰/۸۶۲	۲/۴۵۹	موجود	مسئولیت -
۰/۰۰۱	-۱۲/۵۲۸	۲۵۸	-۲۰/۲۵۸	-۱/۶۶۴	۰/۸۴۷	۴/۱۲۳	مطلوب	پذیری زیست-محیطی
					۰/۸۵۳	۲/۷۷۴	موجود	مسئولیت -
۰/۰۰۱	-۱۲/۳۴۱	۲۵۸	-۱۸/۹۷۵	-۱/۴۵۰	۰/۶۵۰	۴/۲۲۵	مطلوب	پذیری بشردوستانه
					۰/۹۹۰	۲/۷۷۰	موجود	مسئولیت -
۰/۰۰۱	-۱۱/۰۷۱	۲۵۸	-۱۵/۶۱۱	-۱/۴۷۷	۰/۸۰۰	۴/۲۴۷	مطلوب	پذیری اقتصادی

جدول فوق میانگین و انحراف معیار ۷ مؤلفه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی را در دو وضعیت موجود و مطلوب آن نشان می‌دهد. همان‌طوری که مشاهده می‌شود مقادیر میانگین بین دو وضعیت موجود و مطلوب فاصله زیادی از یکدیگر دارند. آزمون تی زوجی و ویلکاکسون انجام شده نشان می‌دهد که این تفاوت در همه‌ی مؤلفه‌ها در دو وضعیت مذکور در سطح معنی - داری بالاتر از ۰/۰۱ قرار دارند. لذا می‌توان گفت که در حال حاضر در نظام‌های دانشگاهی مورد مطالعه، میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی پایین می‌باشد و نسبت به وضعیت مطلوب شکاف زیادی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر جهت طراحی مدل مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی، مطالعات کیفی لازم با روش هم‌سوسازی داده‌های چندگانه انجام شد و یافته‌های حاصل از آن با تحلیل‌های کمی ترکیب و از نظر آماری نیز مورد تأیید قرار گرفت. حاصل یافته‌های پژوهش منتج به ترسیم مدلی با ۵۰ شاخص و ۷ مؤلفه درباره‌ی پدیده‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی و ۳۷ شاخص و ۵ عامل درباره‌ی عوامل سوق‌دهنده‌ی آن گردید. در خصوص مدل به‌دست آمده می‌توان گفت که مدل مذکور نسبت به مدل‌های دیگر از جامعیت بهتری برخوردار است؛ زیرا در مدل‌های مشابه عوامل سوق‌دهنده مورد توجه قرار نگرفته و صرفاً به شناسایی متغیرهای پدیده‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی پرداخته‌اند. از طرفی مقایسه‌ی این مدل درباره‌ی پدیده‌ی مسئولیت‌پذیری با مدل‌های اشاره شده در پیشینه‌ی پژوهش از قبیل علی محمدلو و همکاران (۱۳۹۳) حاکی از

افزوده شدن دو مؤلفه‌ی مسئولیت‌پذیری شناختی و اقتصادی و همچنین در قیاس با مدل حبیبی و همکاران (۱۳۹۵) حاکی از افزایش سه مؤلفه‌ی آموزشی و پژوهشی، زیست‌محیطی و شناختی است. از سوی دیگر مدل ارائه شده در قیاس با مدل‌های مربوط به پژوهش‌های خارجی مانند نجاتی و همکاران (۲۰۱۱)، دیما و همکاران (۲۰۱۳) و چن و همکاران (۲۰۱۵) نشان می‌دهد هرچند برخی از مؤلفه‌های مدل حاضر با مدل‌های خارجی شباهت دارد، ولی سعی شده تا مدل مذکور با وضعیت بومی جامعه‌ی مورد مطالعه تناسب بیش‌تری داشته باشد.

در مدل پژوهش حاضر به طور کلی همه‌ی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و عوامل به دست آمده از مقدار برازش مطلوب که برای مدل‌سازی مدنظر است، بر طبق جدول (۵) برخوردارند. در این مدل مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اخلاقی، زیست‌محیطی، بشردوستانه، اقتصادی، شناختی، قانونی و آموزشی و پژوهشی به ترتیب دارای بیش‌ترین تا کم‌ترین بار عاملی و ضریب تعیین هستند. به نظر می‌رسد این فعالیت‌ها با ماهیت دانشگاه‌های نسل چهارم بیش‌تر مطابقت دارد؛ به عبارتی می‌توان گفت در این نوع دانشگاه‌ها فعالیت نظام دانشگاهی دیگر به کلاس‌های درس و درون دانشگاه محدود نمی‌شود؛ بلکه کنش اجتماعی دانشگاه‌ها و برخوردار نمودن جامعه از دستاوردهای آن بر اساس هفت بعد مذکور در اولویت امر می‌باشد.

در بین عوامل شناسایی شده در مدل مذکور بیش‌ترین بار عاملی مربوط به عامل سازمانی است که با بار عاملی ۰/۹۴۳ به عنوان اولین و مهم‌ترین عامل سوق‌دهنده‌ی دانشگاه‌ها به مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌باشد. این یافته حاکی از آن است که اگر دانشگاه‌ها به دنبال ایفای نقش اجتماعی خود در جامعه باشند، این امر بایستی از درون مجموعه‌ی دانشگاه آغاز گردد. به عبارتی تا زمانی که دانشگاه‌ها در حال انجام رسالت‌های نسل اول و دوم دانشگاهی باشند، فعالیت آن‌ها به عنوان جزیره‌ای مستقل از جامعه معطوف به آموزش و پژوهش خواهد بود که از رسالت‌های سستی نظام دانشگاهی است. لذا لازم است به اقتضای تغییر و تحولات نوظهور جهانی، آن‌ها نیز در موازات با رویکردهای نسل سوم و چهارم دانشگاهی فعالیت‌های خود را هم‌راستای نیازهای جامعه نمایند. در بین عوامل برون‌دانشگاهی، عامل فرهنگی با بار عاملی ۰/۹۱۸ به عنوان دومین عامل سوق‌دهنده‌ی دانشگاه به پذیرش مسئولیت اجتماعی است. به نظر می‌رسد تا زمانی که اعتقاد، زمینه و بستر لازم در جامعه جهت ورود دانشگاه‌ها به حل مسایل اجتماعی فراهم نگردد، شاید تلاش دانشگاه در این راستا از تأثیرگذاری لازم برخوردار نباشد. عامل اقتصادی با بار عاملی ۰/۹۰۶ به عنوان سومین عامل تبیین‌کننده‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی است. این

یافته حاکی از آن است که اگر خواست دانشگاه و همچنین فرهنگ لازم در جامعه جهت ورود به مسایل اجتماعی دانشگاه فراهم باشد، ولی تأمین منابع مالی آن با چالش‌های مختلفی مواجه گردد، ورود دانشگاه به حل مسایل اجتماعی میسر نخواهد بود. به عبارتی ورود دانشگاه به مسایل اجتماعی مستلزم پذیرش و تحمل هزینه‌های ویژه از سوی جامعه است. لذا ضروری است تا جامعه منابع مالی لازم را جهت ورود دانشگاه به مسایل اجتماعی فراهم نماید. چهارمین عامل مؤثر و سوق‌دهنده‌ی دانشگاه بر پذیرش مسوولیت اجتماعی عامل سیاسی با بار عاملی ۰/۸۹۵ می‌باشد. به نظر می‌رسد نقش مدیران ارشد کشور و نوع نگاه و بینش آن‌ها نسبت به دانشگاه و فشار تشکلهای و احزاب سیاسی در جامعه می‌تواند به عنوان هم مانع و هم عامل سوق‌دهنده دانشگاه جهت حل معضلات اجتماعی باشد. لذا شایسته است مدیران ارشد و سیستم‌های کلان کشور و جریان‌های سیاسی حاکم بر آن با اتخاذ گرایش‌های سیاسی مطلوب زمینه‌های لازم را جهت ورود دانشگاه به حل مسایل اجتماعی فراهم سازند. در نهایت عامل اجتماعی با بار عاملی ۰/۸۸۵ پنجمین عامل مؤثر و سوق‌دهنده‌ی دانشگاه بر پذیرش مسوولیت اجتماعی است. به نظر می‌رسد احساس نیاز، خواست و انتظارات جامعه از دانشگاه به عنوان یک مرجع علمی می‌تواند مسیر و رویکرد دانشگاه را نسبت به مسایل اجتماعی تغییر دهد. به عبارتی با فشار و احساس نیاز جامعه به دانشگاه، نظام‌های آموزش عالی نیز سعی بر آن خواهند داشت تا به عنوان یک سیستم فعالیت‌های خود را در راستای حل نیازهای جامعه تنظیم نمایند. به طور کلی پنج عامل مذکور ۵۶ درصد پدیده‌ی مسوولیت‌پذیری اجتماعی را برای نظام دانشگاهی تبیین می‌نمایند؛ لذا پیشنهاد می‌گردد نخست دانشگاه‌ها توانمندی لازم را جهت کمک به حل مسایل اجتماعی احراز نمایند و دوم نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌بایست این زمینه و بستر را برای گرایش دانشگاه به نیازهای جامعه فراهم کنند.

همچنین در ارزیابی وضعیت مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی بر اساس مدل ارائه شده، یافته‌ها نشان داد که در کلیه‌ی شاخص‌ها و مؤلفه‌های مورد مطالعه وضعیت مسوولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌های هدف نسبت به وضعیت مطلوب از شکاف بیش‌تری برخوردار است. نتایج به‌دست‌آمده در این زمینه با یافته‌های صالحی‌عمران و همکاران (۱۳۹۱)، پرداختچی و همکاران (۱۳۹۱)، شافعی و عزیزی (۱۳۹۲) و شفائی یامچلو و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت دارد؛ زیرا آن‌ها نیز وضعیت مسوولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌های مورد مطالعه را چندان رضایت‌بخش اعلام ننموده‌اند. به نظر می‌رسد به اهتمام جدی‌تری جهت ارتقای مسوولیت‌پذیری دانشگاه‌ها در

قبال جامعه از سوی مسئولین و دست‌اندرکاران دانشگاهی نیاز است. به‌ویژه در حال حاضر کشور ما با مشکلات متعددی از قبیل تورم، اقتصاد تک‌محصولی، تحریم، بیماری‌های نوپدید و ... مواجه است، این امر مستلزم همکاری جدی دانشگاه با جامعه است.

منابع

۱. احمدی، کیومرث، الوانی، سیدمهدی و غلامرضا معمارزاده‌طهران (۱۳۹۰) سیر تکوینی پاسخ‌گویی اجتماعی سازمانی و ارائه‌ی مدلی برای بسط مفهومی آن در سازمان‌های ایرانی، فصل - نامه‌ی مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، سال ششم، شماره‌ی ۱۸: ۹۷-۱۱۶.
۲. افکنه، صغری، جعفری، پریوش، شریفی حسن‌پاشا و نادر قورچیان (۱۳۹۷) «ارائه‌ی مدلی مناسب برای خدمت‌محوری در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی»، فصل‌نامه‌ی علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال نهم، شماره‌ی ۱، پیاپی ۳۳: ۱۵۲-۱۲۷.
۳. برزگر، نادر، قورچیان، نادرقلی و علی تقی‌پورظهير (۱۳۹۸) آسیب‌شناسی خلق ظرفیت - های نوآوری در مدیریت دانشگاهی ایران (مورد: دانشگاه آزاد اسلامی)، فصل‌نامه‌ی علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال نهم، شماره‌ی ۱، پیاپی ۳۷: ۳۱۰-۲۹۱.
۴. بوک، درک کی (۱۳۹۶) مسئولیت اجتماعی دانشگاه، ترجمه‌ی آرمین امیر؛ علی پاپلی - یزدی و مریم عالم‌زاده، تهران: انتشارات دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.
۵. پرداختچی، محمدحسن، بازرگان، عباس، آراسته، حمیدرضا و گشتاسب مظفری (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان شکاف پاسخ‌گویی بیرونی دانشگاه‌ها از دیدگاه جامعه‌ی علمی»، فصل‌نامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره‌ی ۶۳: ۹۱-۱۱۲.
۶. تقی‌زاده، هوشنگ و مصطفی ضیائی‌حاجی‌پیرلو (۱۳۹۷) «نقشه‌ی راه بالنده‌سازی در فرایندهای آموزشی سیستم‌های آموزش عالی (مطالعه‌ی موردی)»، فصل‌نامه‌ی علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال نهم، شماره‌ی ۱، پیاپی ۳۳: ۲۳-۱.
۷. حبیبی، نوید، وظیفه‌دوست، حسین، و پریوش جعفری (۱۳۹۵) «مؤلفه‌های ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی»، فصل‌نامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۲(۲): ۱۴۵-۱۲۵.
۸. خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۷/۰۳/۰۹) دانشگاه‌های ایران به روایت آمار و ارقام،

<https://www.isna.ir/news/97030804268>

۹. رحیمیان، نظام‌الدین و مرتضی کاظم‌پور (۱۳۹۷) «مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها: مفاهیم، ابعاد، نظریه‌ها و مروری بر مدل‌های آن»، نشریه‌ی پژوهش حسابداری، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۴: ۱۵۲-۱۷۴.
۱۰. سیدحسینی، سیدامین (۱۳۹۴) «شناسایی و اولویت‌بندی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از دیدگاه اسلام»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
۱۱. شافعی، رضا و نعمت‌اله عزیزی (۱۳۹۲) «مطالعه‌ی وضعیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غرب کشور (طراحی یک الگوی ارزیابی)»، فصل‌نامه-ی رفتار سازمانی در آموزش و پرورش، سال اول، شماره‌ی ۲: ۲۲-۵.
۱۲. شفائی‌یامچلو، طاهره، ابیلی، خدایار، و احد فرامرزمقملکی (۱۳۹۵) «مطالعه‌ی شناخت وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه مبتنی بر الگوی والایس بر اساس دیدگاه اعضای هیأت علمی (مورد: دانشگاه تهران)»، فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی آموزش عالی ایران، سال هشتم، شماره‌ی ۴: ۱۰۱-۷۹.
۱۳. شمس، غلامرضا و خالد میراحمدی (۱۳۹۸) «طراحی و اعتبارسنجی الگوی ساختار اجتماعی فرهنگی دانشگاه‌ها»، فصل‌نامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۴: ۱۵۱-۱۲۱.
۱۴. صالحی‌عمران، ابراهیم، ثابت، عبدالحمید و سودابه حسن‌زاده‌بارانی‌کرد (۱۳۹۱) «بررسی اهمیت شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در مراکز صنعتی و دانشگاه‌ها»، فصل‌نامه‌ی انجمن آموزش عالی ایران، سال چهارم شماره‌ی ۲: ۳۵-۱.
۱۵. عالی‌پور، علیرضا و ترانه عنایتی (۱۳۹۶) «تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاه‌های نسل چهارم»، فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، شماره‌ی ۲۶: ۷۶-۵۳.
۱۶. علی‌محمدلو، مسلم، اکبری، بنفشه و الهام مهدویان‌پور (۱۳۹۳) «شناسایی مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها با استفاده از تکنیک دلفی فازی مطالعه‌ی موردی: دانشگاه شیراز»، فصل‌نامه‌ی انجمن آموزش عالی ایران، سال ششم، شماره‌ی ۳: ۱۹۲-۱۶۱.
۱۷. قاسمی‌حسین‌آبادی، فائزه (۱۳۹۵) «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و نحوه‌ی سنجش آن»، دومه‌نامه‌ی مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، سال اول، شماره‌ی ۲: ۵۴-۴۳.

۱۸. گودرزوندچگینی، مهرداد (۱۳۹۷) «رویکرد دانشگاه‌های نسل چهارم کار و عمل (مورد مطالعه: دانشگاه‌های کمبریج، استنفورد و هاروارد»، فصل‌نامه‌ی آموزش مهندسی ایران، دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۷۸: ۱۰۷-۱.

۱۹. موسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۹۷) آمار آموزش عالی ایران در یک نگاه، <https://irphe.ac.ir/content/1534>

20. Carroll, A. B (1991) The pyramid of corporate social responsibility: Toward the moral management of organizational stakeholders. *Business horizons*, 34(4): 39-48.

21. Carroll, A. B., (1999) Corporate Social Responsibility: Evolution Of A Definitional Construct, *Business Society*. 38(3): 268-295.

22. Chen, S-H., Nasongkhla, J., Donaldson, J. A (2015) University Social Responsibility (USR): Identifying an Ethical Foundation within Higher Education Institutions. *Turkish Online Journal of Educational Technology*, 14(4): 165-172.

23. Claydon, J (2011) "A new direction for CSR: the shortcomings of previous CSR models and the rationale for a new model". *Social Responsibility Journal*, 7(3): 405-420.

24. Dahan, G. S., & Senol, I (2012) Corporate Social Responsibility in Higher Education Institutions: Istanbul Bilgi University Case, *American International Journal of Contemporary Research*, 2(3): 95-103.

25. Dima., A. M., Vasilache. S., Ghinea., V., Agoston., S., & Armin., A (2013) A Model of Academic Social Responsibility, *Transylvanian Review of Administrative Science*, 38, 23-43.

26. Gomez, C. L. V., & Giroto, M (2015) Strategic Management in Universities: A Conceptual Framework Based on Ibero-American Higher Education Systems. In *Strategic Management of Universities in the Ibero-America Region* (pp. 1-43). Springer, Cham.

27. Grau, F. X., Goddard, J., Hall, B., Hazelkorn, E., & Tandon, R (2017) Higher Education in the World 6: Towards a socially responsible university: Balancing the global with the local. Girona: Global University Network for Innovation. Recuperado de <https://goo.gl/bk2Tsk>.

28. Johnson, H. H (2003) Does it pay to be good? Social responsibility and financial performance. *Business Horizons*, 46(6): 34-40.

29. Ma, J (2012) "A Study on the Models for Corporate Social Responsibility of Small and Medium Enterprises", *Physics Procedia*, 25: 435 – 442.

30. Mok, K (2005) Fostering entrepreneurship: Changing role of government and higher education governance in Hong Kong. *Research Policy*, 34(4): 537-54.

31. Nejati, M., Shafaei, A., Salamzadeh, Y., & Daraei, M (2011) Corporate social responsibility and universities: A study of top 10 world universities' website. *African Journal of Business Management*, 5(2): 440-447.
32. Oshin, M. M (2017) "Corporate Social Responsibility: Johnson & Johnson Creating Community Relations and Value through Open Social Innovation and Partnership across Sub-Saharan Africa", Emerald Publishing Limited.
33. Ramos-Monge, E., Llinàs Audet, F. J., & Barrena Martínez, J (2019) Drivers and barriers of University Social Responsibility: integration into strategic plans. *World review of entrepreneurship, management and sustainable development*. URI:<http://hdl.handle.net/2117/114981>.
34. Tetreanova, L., & Sabolova, V (2010) University stakeholder management and university social responsibility. *WSEAS Transactions on Advances in Engineering Education*, 7(7): 224-233.
35. Wood, D. J (1991) "Corporate social performance revisited". *Academy of Management Review*, 16: 691-718.